

## تضمینات حقوقی امنیت اجتماعی شهروندان در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید حسن آصفی<sup>۱</sup>، سید احمد حبیب نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی  
<sup>۲</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی

نام نویسنده مسئول:

سید حسن آصفی

### چکیده

از آن جایی که یکی از بخش‌های مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است، این بخش مهم‌ترین رکن هر قانون به شمار می‌آید، زیرا در این بخش است که اسب سرکش قدرت با لجام قانون اساسی محدود می‌شود و رابطه‌ی افراد با دولت مشخص می‌گردد. بر این مبنا حقوق ملت، از مباحث محوری نظام‌های سیاسی است که در قانون اساسی نظام‌های سیاسی بر آن تأکید می‌شود و کشورهای مختلف جهان می‌کوشند آن را سرلوحه‌ی قانون اساسی و درخشان‌ترین فصل آن قرار دهند. به همین دلیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است. تضمین امنیت اجتماعی شهروندان از وظایف دولت می‌باشد و بر دولت است که تدابیر مختلفی را جهت این مهم به کار بندد چرا که؛ کارکرد حقوق اساسی و دولت و نهادهای حاکمیتی - عمومی از جمله دیوان عدالت اداری حفظ نظم، تأمین امنیت و اجرای قانون می‌باشد، این غایت برای تمامی آحاد شهروندان باید طوری طراحی و اجرا گردد که نه تنها شفاف و قابل ارزیابی باشد، بلکه از ساز و کارهای نظارتی و کنترلی لازم برخوردار باشد به گونه‌ای که مقابل آن حاکمیت نتواند به جهت گیری خاصی در جهت منافع افراد خاص یا طبقه‌ی خاصی، فارغ از عموم شهروندان رفتار نماید. لذا در این پژوهش، حقوق شهروندی (اعم از مدنی/سیاسی/اجتماعی) خاصه حقوق شهروندی اجتماعی به عنوان (متغیر وابسته) این پژوهش در حقوق اساسی ج.ا. ایران، که مطابق با چه سازوکارها و ترتیبات نهادی؛ تأمین و تضمین شده است را بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی، امنیت، تضمین امنیت، امنیت اجتماعی، حقوق اساسی.

## مقدمه

حقوق شهروندی که شامل کلیه ی امتیازات، حقوق و تکالیف شهروندان، دولت و تمامی نهادهای عمومی و مدنی در یک جامعه می باشد. در گستره ی جهانی از هر منظری که به حقوق شهروندی بنگریم این فرایند موجب رشد و گسترش مفهوم شهروند جهانی شده است. جهت آگاهی و نگرش مثبت همه ی مردم جهان در تمام عرصه های تجاری، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، و مبادلاتی نسبت به دیگر شده است و نمود واقعی و عملیاتی آن در تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی است که آگاهی از حقوق شهروندی مردم جهان را به هم نزدیک تر کرده تا روز به روز بیشتر خود را متعلق را به یک جهان واحد بدانند بیشتر تعامل داشته باشند. بیشتر با همدیگر احترام کنند، کرامت انسانها را رعایت کنند. فراتر از دین و آیین و مذهب، انسانیت انسانها را گرمی دارند و بتوانند حقوق همدیگر را در تمام عرصه های مختلف شهروندی اعم از رفت و آمد روزمره، محیط زیست، تجارت، تبادلات اجتماعی و فرهنگی و... رعایت کنند.

## مفهوم حقوق شهروندی

### مفهوم حقوق

### تعریف لغوی

حقوق در بحث ما در همین شکل جمع به کار رفته است مفرد آن «حق» در لغت به معانی زیادی که به هم نزدیک آمده از جمله راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، حکم مطابق با واقع، مترادف با سزا و عدل.<sup>۱</sup> و همچنین، در جای دیگر به معنای مطابقت و موافقت، ثبوت و تحقق نیز بیان شده است.<sup>۲</sup>

### تعریف اصطلاحی

در معنای اصطلاحی به معنای مجموع قواعدی است که در اجتماع دارای ضمانت اجرا می باشد یعنی در جامعه ای که مذهب حاکمیت داشته باشد حقوق متضمن بخشی از مقررات مذهبی که برای آن جزای دنیوی پیش بی بینی شده می باشد یعنی علاوه از وظیفه ای که در جوامع لائیک به عهده حقوق است رسالتی هم در حفظ و بقای مذهب دارد در جامعه های سیاسی غیر حاکمیت مذهب اقتدارات دینی متروک مانده و پیروان مذهب جوامع هم هیئت حاکمه اجبار دارند در وضع رعایت اصول اعتقادی مردم آن جامعه را بنمایند تا اجرای قوانین با مقاومت مواجه نگردد و بهتر به اجرا گذاشته شود.<sup>۳</sup>

### تعریف حقوقی

حقوق در اصطلاح حقوقدانان به معنای اقتدار و سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار شده و دیگران مکلف به رعایت آن هستند مانند حق مالکیت، حق زوجیت، حق ابوت و حق اکتشاف، و... همچنین به معنای مجموعه مقرراتی است که حاکم بر یک جامعه سیاسی است و از طرف دولت تضمین شده آمده و در این معنی است که می گویند حقوق انگلیس یا حقوق ایران و...<sup>۴</sup> و در جای دیگر به این معنا آمده که: نوعی توانایی و اقتدار است و امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور، در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد.<sup>۵</sup>

## حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از جمله مقوله هایی است که در سال های اخیر مورد توجه گرایش های مختلف حقوق عمومی قرار گرفته است. برای تبیین بیشتر حقوق شهروندی توجه به آن از منظر لغوی و اصطلاحی و نیز مفهومی حائز اهمیت است. لذا، در این قسمت به بررسی اجمالی حقوق شهروندی خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup>دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، (۱۳۷۸)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۴۴۵-۴۴۴.

<sup>۲</sup>عمید، حسن، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دهم، موسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۵۰۲.

<sup>۳</sup>فنی اصل، عباس، (۱۳۸۹) حقوق اجتماعی و سیاسی انسان در اسلام، مشهد، انتشارات بهنشر، صص ۱۹-۲۰.

<sup>۴</sup>مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، مبانی و کلیات علم حقوق، تهران، پایدار، صص ۲۴-۲۶.

<sup>۵</sup>کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، ص ۳۷۴.

## تعریف لغوی حقوق شهروندی

شهروند ترجمه فارسی citizen (سیتی زن) است. این کلمه در ادبیات حقوقی ما سابقه زیادی ندارد و در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می شد. عبارت شهروند از دو واژه «شهر» به مفهوم: «آبادی بزرگ که دارای خیابان ها و کوچه ها و خانه ها و دکان ها و نفوس بسیار باشد»<sup>۱</sup> و «وند» که پسوندی خاص به جهت انتساب می باشد تشکیل شده است.

## تعریف اصطلاحی

شهروند کسی است که حیات و مامت وی در محدوده محیط شهری تعریف می گردد. البته از دیدگاه کلی، شهروند یک کشور، صرفاً کسی نیست که در محیط شهری آن کشور زندگی می کند و ممکن است در محدوده محیط روستایی آن کشور ساکن باشد. «حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن، بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. در قانون اساسی کشورمان که هدف از اجرای آن تنظیم قوای حاکم و تضمین حقوق مردم است،<sup>۲</sup> مفهوم حقوق شهروندی تبیین نگردیده، بنابراین می بایست از منظر حقوق اساسی به مفهوم حقوق شهروندی نگریسته شود. در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست.

## تعریف حقوقی مفهوم شهروندی

در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیر سیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می باشد. از این رو می توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده اند می باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می باشند.<sup>۳</sup> از طرف دیگر، در برخی از متون حقوقی یک تعریف موسعی از «شهروندی» مورد قبول واقع شده است. به طور مثال، مطابق قانون اساسی ۱۷۹۱ م. فرانسه،<sup>۴</sup> «شهروندان» کسانی هستند که نه فقط در فرانسه از یک پدر فرانسوی و یا از یک پدر خارجی متولد شده اند، یا در خارج از کشور از یک پدر فرانسوی زاده شده اند، بلکه آنهایی را هم که در خارج از کشور، از والدین خارجی متولد شده اند و به مدت حداقل ۵ سال مقیم فرانسه بوده و در اینجا کار می کنند و یا صاحب املاک هستند و یا همسر فرانسوی دارند شامل می شود. قانون اساسی ۱۷۹۳ م. فرانسه، تعریف وسیع تری را ارائه می کند که به موجب آن یک سال سکونت در فرانسه کافی است. به موجب این قانون، عناوین دیگری نیز پذیرفته شدند. به این توضیح که به رغم این قانون، «شهروند» آن کسی است که یک کودک را قبول می کند، یا شخص مسنی را تغذیه و یا تمام خارجیانی که توسط هیات قانونگذاری تایید می شوند که به خوبی شایستگی بشریت را دارا می باشند. در کشور ما دو مصوبه در زمینه حقوق شهروندی به تصویب رسیده است.

نخستین مصوبه قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب شد و دومین مصوبه پیش نویس منشور حقوق شهروندی می باشد که توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری و با همکاری مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، در آذر ماه سال ۱۳۹۲ تنظیم گردیده و توسط رئیس جمهور ابلاغ گردیده است. ولی در هیچ کدام از مصوبه های مذکور، حقوق شهروندی به شکل اصولی تعریف نگردیده و تنها مواردی به عنوان مصادیق حقوق شهروندی بیان گردیده اند.

## فلسفه ی وجودی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، بیش از هر چیز راجع به حقوقی است که هر فرد به عنوان تابع یک دولت از آن برخوردار است. مصادیق حقوق شهروندی بسیار زیاد است و از حق برخورداری از مسکن و آموزش و بهداشت مناسب شروع شده و تا حقوقی از قبیل حق دادرسی عادلانه ادامه می یابد. این که اموری مانند حق آزادی بیان، حق آزادی مطبوعات، حق آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن را باید در شمار حقوق شهروندی دانست یا این که، این حقوق جنبه عمومی تری داشته و در همان مفهوم حقوق بشر قرار می گیرند، مورد اختلاف است. در تحقق و نقض حقوق شهروندی، دولت عامل اصلی است. در این تلقی، اگر حقوق، از جمله حقوق شهروندی، در جامعه محقق شده است، باید آن را

<sup>۱</sup> عمید، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۳۳.

<sup>۲</sup> آیمانی، عباس، قطمیری، امیررضا، (۱۳۸۸)، قانون اساسی در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات نامه هستی، ص ۱۵.

<sup>۳</sup> عباسی، بیژن، (۱۳۸۸)، مبانی حقوق اساسی، تهران، نشر جنگل، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

<sup>۴</sup> همان، ص ۳۶۲.

ناشی از اراده دولت دانست، و اگر جامعه نتوانسته است به مراتب و مدارج درخوری از معیار های حقوق شهروندی دست یابد، این دولت است که نخواسته است جامعه از سطوح مناسب حقوق شهروندی برخوردار و بهره مند شود. حقوق شهروندی مفهومی جزئی و برگرفته از مفهوم کلی حقوق بشر می باشد و برای شناخت آن ابتدا لازم است نسبت به حقوق بشر و نسل های مختلف پیدایش و تکامل آن شناخت حاصل شود.

سخن گفتن از نسل های متفاوت حقوق بشر، به امری عادی تبدیل شده است. مطابق ترمینولوژی جاری، حقوق بشر نسل اول، حقوق بشر منفی یا آزادی های مدنی هستند که دولت ها را وادار می دارند تا از دخالت در آزادی های فردی خودداری ورزند. آزادی و امنیت فردی یا آزادی بیان نمونه های مثالی این طبقه از حقوق تلقی می شوند. زمانی که به حقوق بشر نسل دوم یا حقوق مثبت اشاره می شود حقوق اقتصادی یا اجتماعی نظیر حق کار یا حق امنیت اجتماعی به ذهن متبادر می شود که افراد یا گروه ها را در برخورداری از برخی کالاها یا خدمات اجتماعی مستحق تلقی می کند. سرانجام، حقوق بشر نسل سوم مشتمل بر ترکیب پیچیده ای از حقوق، نظیر حق توسعه، حق صلح و حق محیط زیست سالم است. در حالی که حقوق دو نسل اول در اسناد قراردادی متعددی منعکس شده اند که به واقع بر مبنای حقوق بین الملل، لازم الاجرا تلقی می شوند، در خصوص نسل سوم، درباره این که آیا موضوع حقوقی محسوب می شوند و نه صرفاً یک بیانیه سیاسی، اجمالی وجود ندارد. حقوق نسل سوم در قطعنامه های مجمع عمومی و کنفرانس های دولتی تأیید گردیده اما هرگز در یک معاهده بین المللی لحاظ نگردیده اند. البته این فقدان مبنای حقوقی قابل توجه و معتبر، از جذابیت و گیرایی که این دسته از حقوق براساس نفوذ و تأثیرشان برای همه ایجاد می کنند، نمی کاهد.

طرح طبقه بندی مولفه هایی که نسل ها را شکل می دهند، بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است. به واقع، استعاره نسل ها ممکن است به نتایج غلطی منتهی گردد. در حیات انسانی، نسل ها متعاقب یکدیگر می آیند. نسل پدربزرگ ها آن زمان که نوه ها دوران طفولیتشان را به پایان رسانده و حیانتشان را به عنوان بزرگسالی متکی به خود آغاز می کنند، پایان می پذیرد. آنها سپس محکوم به گذراندن مسیری در آینده نه چندان دور هستند. در مقایسه، ممکن است این تلقی ایجاد شود که نسل های جدید حقوق بشر، نسل های قدیمی را نسخ می کنند. اما در بحث نسل های حقوق بشر موضوع این نیست. بین سه نسل حقوق بشر یک رابطه همزیستی و حمایت متقابل وجود دارد. حقوق نسل اول تا زمانی که افراد انسانی تحت یک اقتدار برتر، اقتدار دولت یا هر قدرت عمومی، در اجتماع زندگی می کنند، طراوت و تازگی خود را حفظ کرده و خواد کرد. حق حیات، حفظ ماهیت جسمانی، تحقق ممنوعیت شکنجه، آزادی بیان و دیگر حقوق مشابه، ضرورت اعمال آنچه را که مستقیماً معطوف به موجودیت انسانی است را آشکار می کند. بدون برخورداری از حقوق نسل اول، فرد انسانی در معرض تخیلات، پندار ها و هوس های حکامی قرار می گیرد که در مقام رویارویی با آنهاست. به همین ترتیب حقوق نسل دوم همچون حق امنیت اجتماعی، در پرتو ظهور حقوق نسل سوم زایل تلقی نمی شوند.

برعکس می توان بر این گمان بود که از همان آغاز، نسل سوم حقوق بشر از رهگذر آمیختگی شدید با عناصر سیاسی، خط مشی استحقاق حقوقی را به تدریج رها می کند.<sup>۱</sup> به دلیل این عدم کفایت ترمینولوژی (واژه شناختی) است که پیشنهاد گردیده از مفاهیم دیگری بهره برده شود. برخی از این پیشنهادات منطقی به نظر می رسند. در این راستا «ایب رایدل» بر این عقیده است که از ابعاد حقوق بشر سخن گفته شود. اگر چه می توان از برخی اصطلاحات زبان شناختی بهره برد، اما با وجود این، ما باید واژه سنتی نسل ها وفادار بمانیم، زیرا پس از بحثی که درباره پرهیز از دام های نهفته در انتخاب این زبان صورت گرفته، هیچ کس به نتایج نادرست پیش گفته رهنمون نخواهد شد.<sup>۲</sup>

### عناصر حقوق شهروندی

همانطور که در تشریح حقوق شهروندی بیان گردید، این حقوق محدود به حوزه مشخصی در حقوق عمومی نبوده و به قسمت های مختلف آن شامل حقوق اداری، حقوق کار، حقوق اساسی و غیره ارتباط خواهند داشت. لذا سعی خواهد شد بیشتر در حوزه ی حقوق اساسی بحث شود.

<sup>۱</sup> باقر زاده، محمد، جهان شمولی حقوق بشر، ویژه نامه حقوق بشر، ش ۳۶، ۱۳۸۹، ص ۱۲.

<sup>۲</sup> تاموشات، کریستیان، (۱۳۸۶)، حقوق بشر، نشر میزان، تهران، صص ۱۰۵ و ۱۰۳.

## منابع حقوقی تضمین امنیت اجتماعی شهروندان

### ۱- قانون اساسی

هر جامعه سیاسی دارای مجموعه ای از قواعد نوشته یا نانوشته به منظور تعیین روش های رسیدن به قدرت سیاسی و اعمال و انتقال آن است. مجموعه این قواعد قانون اساسی را تشکیل می دهد.<sup>۱</sup> قانون اساسی کشورمان ضمن مشخص کردن حدود فعالیت ها و تکالیف قوه مجریه و سازمان های تابع آن، زمینه اعمال مفاهیم حقوق شهروندی را فراهم کرده است قانون اساسی که در راس همه قوانین کشور قرار دارد، طی دستوراتی، چارچوب فعالیت ها و اهداف سازمان های اداری را که عمدتاً زیر نظر قوه مجریه هستند، مشخص کرده است. اهم این دستورات به شرح زیر است: با نگاهی اجمالی به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شفافیت در میابیم که حسب اصول ۶ و ۱ نوع حکومت جمهوری اسلامی معین شده و مبنای آن و اتکای امور کشور را ملت است (احترام به اراده مردم)، رعایت اصل تفکیک قوا در اصل ۵۷، نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه اصل ۷۶، انطباق تصمیمات اداری با قوانین موضوعه در اصل ۱۶۹، نظارت بر حسن اجرای قوانین توسط قوه قضائیه؛ به موجب بند ۳ اصل ۱۵۶، حق شکایت مردم از مامورین و تصمیمات دولتی در اصل ۱۷۳ و اصول دیگری از این قبیل از مصادیق حقوق شهروندی ذکر شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. اما باید این نکته را اضافه کرد که بر سر راه اجرای حقوق شهروندی موانعی وجود داشته، به طوریکه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در نوشتاری این موانع را برشمرده است. به اعتقاد پژوهشگران این مرکز، ابهامات موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی و مغفول ماندن مسوولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، ۲ مانع اصلی بر سر راه اجرای این حقوق هستند. در گزارش این مرکز در ارتباط با تبیین مانع نخست این گونه آمده است که نبود پیش بینی لازم برای برخورد قانونی با اشخاص و دستگاه هایی که از اجرای این اصول ممانعت می کنند و تفسیر واژه ها و اصطلاحات به کار رفته در قوانین که در عمل دایره های جدیدی از قوانین را باز می کند، در کنار مشخص نبودن مرجع تشخیص قیود اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی به صورت شفاف و تعبیر و تفسیر های متفاوتی که می توان از این اصول داشت، از جمله موانع قانونی برای اجرای حقوق شهروندی است. این در حالی است که قانون اساسی، قوه مجریه را نه تنها به عنوان یکی از قوای سه گانه بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبر معظم انقلاب، مسوول اجرای حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی دانسته است، به همین دلیل وی مکلف است تمام توان خود را در جهت مراعات حقوق عامه مردم توسط مجریان و مسوولان دولتی و جلوگیری از نقض آن در هر یک از قوای سه گانه به کار گیرد، یعنی اموری که به اعتقاد پژوهشگران مرکز پژوهش های مجلس تاکنون مغفول مانده است.

این در حالی است که مطابق گزارش این مرکز، توضیح و شفاف سازی، فعال کردن مسوولیت ریاست جمهوری در اجرای حقوق شهروندی، نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه، نهاد های مدنی و سازمان های غیر دولتی، ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر رسیدگی به پرونده ها و دادرسی ها از راهکار های رفع موانع احقاق حقوق شهروندی است. در واقع یکی از مسائلی که مورد توجه قانون اساسی می باشد جایگاه دولت در جامعه و وظایف و تکالیف آن نسبت به شهروندان است. اکنون دولت ها افزون بر امور سیاسی و حاکمیتی وارد حوزه های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه شده و می کوشد نیاز های عمومی شهروندان را با اراده مداخله ای مستقیم یا به صورت غیر مستقیم زیر نظارت خود برطرف کند. معمولاً قوانین اساس حوزه های دخالت سازمان های اداری دولت خدمات عمومی و وظایف و اختیارات کارکنان، محدودیت ها و انواع و چگونگی نظارت بر آنها ذکر می کنند.<sup>۲</sup>

### ۲- قوانین عادی

قوانین مصوب مجلس نیز می تواند منبع نوشته ی دیگری برای حقوق اداری به شمار آید این قواعد حاکم بر سازمان های اداری بوده و ادارات موظف به پیروی از آنان می باشند. ماده ۱۰۰ سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲، دولت را مکلف کرده: « به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسوولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، « منشور حقوق شهروندی » را تنظیم و به تصویب برساند. در ماده ۱۳۰ نیز قوه قضائیه را مکلف نموده به منظور « حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد، در راستای اجرای اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران » لایحه ای تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط برساند. مراجع و مقامات اجرایی، موظفند قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی را رعایت کنند.

<sup>۱</sup> عباسی، بیژن، (۱۳۹۰)، حقوق اداری، تهران، نشر دادگستر، ص ۴۳.

<sup>۲</sup> عباسی، همان، ص ۴۴.

لازم به یادآوری است که در اصطلاح حقوق اساسی ما، قانون به قواعدی گفته می شود که یا، با تشریفات مقرر در قانون اساسی از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده است، یا از راه همه پرسی به طور مستقیم به تصویب می رسد (اصول ۵۹ و ۵۸). از تعریف فوق چنین دریافت می شود که مجلس قانونگذاری تنها مقام صلاحیت دار برای وضع قانون است و می تواند در کلیه شئون اجتماعی به وضع قانون بپردازد.<sup>۱</sup> در وظایف مجلس و حدود اختیارات آن، اصل پانزدهم قانون اساسی مشروطیت مقرر می داشت: «مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت می داند وضع کند». اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح می دارد که «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند». مطابق اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص عدم مغایرت برعهده شورای نگهبان است. شورای نگهبان تشکیل می شود از ۶ نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز به انتخاب رهبر و ۶ نفر از حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی و با رای مجلس انتخاب می شوند. تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام، با نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم مغایرت آنها با قانون اساسی، برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب ۶ نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان (اصل ۹۳ قانون اساسی). کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت، مصوبه قابل اجرا است (اصل ۹۴ قانون اساسی). پس به طور خلاصه، قانون عادی قواعد و مقرراتی است که با رعایت تشریفات مقرر در قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان رسیده باشد.

عمل قانون گذاری تنها توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی صورت نمی گیرد بلکه مراجعه به آرای عمومی نیز یکی از شیوه های قانونگذاری به شمار می آید. در اصل ۵۹ قانون اساسی تصریح شده است: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای عمومی صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد». استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق همه پرسی در دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ از مصادیق بارز مراجعه به آرای عمومی به شمار می آید.

اما در مورد اعتبار و لازم الاجرا شدن قوانین قبل از انقلاب اسلامی، شورای نگهبان در تیرماه سال ۱۳۶۵ اعلام داشت: «در مواردی که شمول هر یک از اصول قانون اساسی نسبت به قوانین جاریه به تفسیر شورای نگهبان نیاز داشته باشد، مادام که شورای نگهبان نظر تفسیری نداده باشد آن قوانین منع اجرایی ندارد و جواز اجرای آن قوانین به اصل خود باقی است...» در مجموع می توان گفت، قوانین عادی، بخش مهمی از منابع حقوقی کشور ما را تشکیل می دهد و برای دست یابی به اهداف حقوق شهروندی، رعایت قوانین عادی از سوی سازمان های مختلف اجرایی ضروری دانسته می شود. هر چند که قانون عادی دارای نواقص متعددی می باشد. که نمی تواند تضمین کننده همه موازین حقوق شهروندی یک ساز و کار منطقی به شمار می آید.<sup>۲</sup>

### ۳- مقررات دولتی

اصل حاکمیت قانون، یکی از اصول حقوق عمومی است که حقوق اساسی و حقوق اداری را به هم پیوند می دهد.<sup>۳</sup> براساس این اصل، کلیه امور حکومت از جمله اداره امور عمومی باید تابع قوانین باشند. به موجب اصل حاکمیت قانون قوه مجریه مکلف است کلیه صلاحیت های خود از جمله مقررات گذاری را در چارچوب قوانین انجام دهد.<sup>۴</sup> علیرغم این که حق قانون گذاری در جمیع مسائل داخلی و خارجی، طبق اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اختیارات مطلق قوه مقننه است، قانونگذار در مواردی، بخشی از حق قانونگذاری خود را به قوه مجریه تفویض کرده است. البته مقامات و مراجع اجرایی تنها اختیار وضع مقرراتی را که قانونگذار دستور داده است، کسب نکرده اند (مانند وضع آیین نامه های اجرایی) بلکه قوه مجریه می تواند مستقلاً آیین نامه یا تصویب نامه هایی را که اصطلاحاً آیین نامه های مستقل نامیده می شود، نیز وضع کند. در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن نیز صریحی درباره حق قانونگذاری قوه مجریه، به عبارت دیگر وضع آیین نامه و تصویب نامه وجود نداشت. لیکن اصل ۸۹ متمم قانون اساسی تلویحاً این حق را برای قوه مجریه شناخته بود.

<sup>۱</sup> موسی زاده، رضا، (۱۳۸۹)، حقوق اداری ۱-۲، تهران، انتشارات میزان، صص ۱۵۷ و ۱۵۰.

<sup>۲</sup> معصومی، حامد، (۱۳۹۰)، اصل ۱۳۹ قانون اساسی در داورای های تجاری بین المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵.

<sup>۳</sup> طباطبائی مومنی، منوچهر، (۱۳۷۵)، حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ تهران، سمت، ص ۸.

<sup>۴</sup> زارعی، محمد حسین، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۱، ۱۳۷۶، ص ۳۲.

#### ۴- آیین نامه

آیین نامه در واقع مقرراتی است که مقامات صلاحیت دار مانند وزیر یا شهردار و غیره وضع و در معرضی اجرا می گذارند خواه هدف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوعه باشد خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی وضع نشده باشد. <sup>۱</sup> در همین مورد لفظ نظام نامه هم استعمال شده است. از لحاظ شکلی، آیین نامه نوعاً حاوی قواعد عام و کلی متعدد و مرتبطی است که مفاد آن همانند قانون به صورت مواد جداگانه تنظیم می شود. به طور کلی آییننامه را میتوان به سه دسته تقسیم کرد: آیین نامه اجرایی، آیین نامه جایگزین قانون، آیین نامه مستقل.

(۱) **آیین نامه اجرایی:** آیین نامه های اجرایی مقرراتی هستند که به حکم صریح یا ضمنی قانونگذار برای تکمیل قانون در ارتباط با آن وضع می شوند. در حالت اول قانونگذار وضع آیین نامه اجرایی را به قوه مجریه تکلیف نکرده است. برای رفع نقص و کاستی قوانین عام و کلی مجلسی، قوه مجریه به ابتکار خود مقررات اجرایی لازم را تدوین می نماید که به این دسته از مقررات آیین نامه های تکمیلی ارتجالی یا خودجوش نیز می گویند

(۲) **آیین نامه مستقل:** مقامات اجرایی می توانند به موجب اصلی ۱۳۸ قانون اساسی در حدود اختیارات خود اقدام به وضع آیین نامه های مستقل کنند. این دسته از آیین نامه ها روش های اجرایی قانون را تبیین نمی کنند، بلکه به طور مستقل از قوانین، روابط اجتماعی افراد را انتظام می بخشند.

(۳) **آیین نامه های سازمان دهنده خدمات عمومی:** به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی کشورمان: «... هیأت وزیران حق دارد برای تنظیم سازمان های اداری به وضع تصویب نامه و آییننامه بپردازد...» به منظور تسهیلی و تسریع فعالیت های دولت در کلیه امور اجتماعی، اقتصادی و غیره، اصلی مذکور به دولت این اجازه را می دهد که آیین نامه های مختلفی در آن زمینه ها وضع کند. سازماندهی تشکیلات اداری، برقراری عدالت اجتماعی و به طور کلی برآوردن نیازمندی های همگانی مستلزم وضع آییننامه های دولتی است و بدون آن تحقق اهداف دولت امکان پذیر نخواهند بود.

#### ۵- سایر مقررات دولتی

مقررات موضوعه در ارتباط با حقوق شهروندی به آنچه در قسمت های قبلی ذکر گردید محدود نمی شوند و به منابع ذیل نیز می توان اشاره داشت:

بخشنامه، دستورالعمل، مصوبه، ابلاغیه یا ابلاغ وزارتی

<sup>۱</sup> نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات بین المللی هدی، ص ۳۳۳.

## نتیجه گیری و پیشنهادها

در تمام ادوار تاریخ بشری، از زمان آدم ابوالبشر تا به امروز که در عصر ارتباطات و اطلاعات به سر می‌بریم، انسان‌ها با نیازهای متفاوتی پای به جهان گذاشته‌اند؛ ولی در تمامی این ادوار، یک نیاز همیشگی و دائمی مهم‌ترین دغدغه‌ی بشر برای زندگی مفرح و رهنمون شدن به تعالی بوده است و آن دغدغه، نیاز به امنیت بوده و هست و مادامی که نیاز انسان‌ها به برخورداری از امنیت رفع نشود، انسان نخواهد توانست به مراحل بالاتر نیازها و نهایتاً به مرحله‌ی «احساس نیاز به خودشکوفایی» که از جمله بالاترین درجه‌ی نیازهای موجود در آدمی است، دست یابد. از طرفی وقوف اقناعی بشر به این مسئله که جذب امنیت همیشه امنیت را به دنبال ندارد و چه بسا ناامنی را موجب می‌شود، باعث شد تا اندیشه بر سر نوع جدیدی از امنیت آغاز شود. تجربیات دوران مدرن و مابعد مدرن این مساله را به شدت تقویت کرد و امروزه امنیت فراگیر در چارچوب منافع فردی یا گروهی یا کشوری نیست بلکه در برآوردن امنیت فرد آدمی به عنوان حلقه‌ای از زنجیره‌ی بشریت است. این بعد جدید امنیت در سح دولت - ملت مطرح نشد بلکه در سطح انسان دنبال شد.<sup>۱</sup>

و با گسترش جوامع بشری و افزایش روابط میان انسان‌ها، امنیت شکل‌های مختلفی به خود گرفت؛ از جمله امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و ...، ولی تمام این اشکال امنیت، زمانی قابلیت تحقق دارند که کوچک‌ترین واحد جامعه یعنی فرد، احساس امنیت نمایند و یا به زبانی دیگر، امنیت اجتماعی برای شهروندان برقرار شود. به طور کلی، نیاز انسان‌ها به برخورداری از سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی، مصونیت در مقابل سوانح طبیعی، داشتن محیط زیستی سالم و پاک، قرار نگرفتن در زمره‌ی قربانیان خشونت (تجاوز جنسی، نژادپرستی، قتل، تروریسم و ...) و در یک کلام، برخورداری از حمایت‌ها و حقوق بشر است که به مسئله‌ی امنیت معنا و مفهوم می‌بخشد.

و همچنین باید متذکر شد که حقوق و امتیازات اجتماعی شهروندان در بستر تحولات مؤلفه‌های زندگی بشری تکامل یافته است چرا که حقوق فردی و حقوق شهروندی و مفاهیمی مانند حوزه عمومی و حوزه خصوصی و صیانت از حوزه خصوصی در مقابل قدرت عمومی در دولت مدرن مانند خود مفهوم دولت مدرن پدیده‌ای است که متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بشری به ویژه انقلاب‌های فردی و اجتماعی در سده‌های گذشته پیوند خورده است. از مجموعه مباحثی که گذشت معلوم می‌گردد که تضمین و آزادیهای شهروندان حق و تکلیف دولت می‌باشد و بر دولت است که تدابیر مختلفی را جهت این مهم به کار بندد و به همین جهت اسناد بین‌المللی قابل توجهی تاکنون به تصویب رسیده است که از دولت‌ها می‌خواهد جهت تضمین آن حقوق و آزادی اقدامات مختلف را مبذول دارند. آنچه که در قانون اساسی ایران پیش بینی شده است این حقوق و آزادیها را در حد مناسبی تضمین می‌نماید زیرا حقوق شهروندی مجموع حقوق و آزادی‌های است که دولت اجرای آن را برای اتباع خود تامین و تضمین می‌کند و شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و به برابری، عدالت و استقلال تکیه و تاکید دارد از این رو، با توجه به مطالعات انجام شده و تصمیمات گرفته شده می‌بینیم تصمیمات اجتماعی بیشتر رویکرد شهروند محور دارد تا دولت محور، هرچند تصمیمات اداری منابع حقوق عمومی نکات و قوت‌های مثبتی در این زمینه داشته است ولی به دلیل چالش‌های فراروی که دارد هنوز نتوانسته حقوق شهروندی آن طوری که در حیطه وظیفه او است تضمین کند.

لذا این پژوهش که مشتمل بر یک مقدمه سه فصل و یک نتیجه‌گیری، براساس این سؤال اصلی طراحی گردید که: در نظام حقوق اساسی ج.ا. ایران امنیت اجتماعی شهروندان بر کدام مبانی استوار و مطابق با چه اصولی این حقوق تضمین و با چه سازوکارها و ترتیبات نهادی سامان یافته است؟

که پژوهشگر تلاش نمود که بعد از تدوین مقدمات (چکیده؛ مقدمه بیان مسئله؛ سؤال اصلی؛ فرضیه...) در فصل اول پایان نامه از حیث مفهوم شناسی، مفاهیم؛ حق، امنیت و شهروندی را توضیح دهد.

علاوه بر این پژوهشگر در این پایان نامه تمرکز خود را به ابعاد امنیت و خصوصاً امنیت اجتماعی مدرن شهروندی و ابعاد آن متمرکز نمود. سپس با دقت در اصول حقوق اساسی ایران، ابعاد حق، ابعاد حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران را شناسایی نمود (شایان ذکر است که قبلاً و به صورت کلی (بدون رعایت چارچوب نظری) و به این سوالات پاسخ داده شد که: آیا در حقوق اساسی ایران ابعاد شهروندی پیش بینی شده است؟ آیا در حقوق اساسی ایران حقوق شهروندی اجتماعی تضمین و تأمین شده است؟) یعنی: امنیت شهروندی در ایران مطابق با چه سازوکارها و ترتیبات نهادی تامین و تضمین شده است؟ پاسخ به هر ۲ سؤال مثبت بوده است. لیکن منتج به این نتایج بوده است:

۱) از حیث درجه اهمیت ابعاد شهروندی اولاً: به نظر می‌رسد که گرچه در حقوق اساسی ایران از واژه شهروند استفاده نشده و تحت تأثیر قانون نویسی مدنی از واژه شخص استفاده شده که مستلزم ارتقاء مفهومی و کاربردی - علمی شخص به شهروند (با امعان به وسعت تعریف شهروندی) در حقوق اساسی ایران ضروری به نظر می‌رسد ثانیاً: اصول حاکم بر شهروندی مدنی بیشترین اصول را به خود اختصاص داده است. ثالثاً: کمترین اصول شهروندی در حقوق اساسی ایران مربوط به شهروندی سیاسی است. رابعاً: شهروندی اجتماعی رفاهی در قانون

۱. حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، پیشین، ص ۱۲.



سیاسی ایران جایگاه ویژه و معتبری دارد و شاید بتوان گفت که دغدغه اصلی قانون گذاران اولیه قانون اساسی بیشتر معطوف به شهروندی اجتماعی-رفاهی بوده که به نظر می توان گفت که این تأکید مؤید این مدعاست.

۲) به نظر می رسد گرچه در حقوق اساسی ایران، بیشتر اصول ناظر بر شهروندی مدنی است. لیکن تضمینات و نظارت بر شهروندی اجتماعی/رفاهی و همچنین نهادهای تضمین کننده از شفافیت بیشتری برخوردار است. قانون گذار چه در قانون اساسی و قوانین عادی، همچنین قوانین توسعه ۵ ساله کشور؛ نهادهای ناظر و پاسخگو در امنیت اجتماعی-رفاهی را تصریح نموده است که شکل گیری نهادهایی چون مجامع تشخیص، حل اختلاف در حوزه ی کار-آموزش و پرورش... حکایت از این صراحت و تأکید بر شهروندی اجتماعی دارد.

۳) از حیث قلمرو شهروندی، باتوجه به تجربه قانون نویسی بعد از مشروطه و احاطه قانون مدنی نویسی، شهروندی در حقوق اساسی ایران بیشتر در حوزه خصوصی است تا شهروندی در حوزه عمومی. با توجه به این که اساساً شهروندی غالباً در بستر حوزه عمومی (که حوزه رابطه فرد با دولت و مؤسسات عمومی است) شکل می گیرد و کاملاً غلبه شهروندی حوزه خصوصی (که اتفاقاً غالبیت اصول ناظر بر شهروندی مدنی (آزادیهای فردی چون، زبان، حاکمیت، مذهب...) در حقوق اساسی ایران بر شدت این غلبه حوزه خصوصی بر حوزه عمومی افزوده است. به نظر می رسد که بیشترین امتیاز شهروندی در حقوق اساسی ایران را می شود به شهروندی اجتماعی/رفاهی داد. از این حیث به نظر پژوهشگر تأکید بر اجرای اقتصاد مقاومتی را می شود از این منظر (تأکید بر شهروندی اجتماعی) به آن پرداخت و از حیث ابعاد نظارتی، تأمین و تضمین حقوق شهروندی که در این پژوهش به ۳ بعد آن پرداخته شده یعنی ساز و کارهای بنیادین تحقق و تضمین حقوق شهروندی بر مبنای شریعت، مفروضات و اصول بنیادین قانون اساسی؛ سازوکارهای حقوق قضایی؛ ساز و کارهای اقتصادی؛ که مفروضات و پیش فرض های حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران است. و به در حد وسع این تحقیق به آن پرداخته شد.

### پیشنهادهاداد

تحقق حقوق شهروندی نیازمند یک حرکت دوسویه است، یکی حرکت از بالا به پایین که همان فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان جامعه است، و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیتهای اجتماعی شهروندان به ویژه در عرصه عمومی است، با توجه به اهمیت حقوق شهروندی و نقش مسئولیت اجتماعی سازمانها در ارتقاء آن می توان به نتیجه رسید که ارتقاء آگاهی شهروندان از مصادیق حقوق شهروندی در جامعه است و شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئولیت پذیری عناصر مختلف سازمانهای اجتماعی جامعه (دولت، حوزه خصوصی، حوزه عمومی)، یعنی افراد و نهادهایی است که دارای حق و تعهدات معینی هستند. از این رو موارد زیر جهت ارتقاء حقوق شهروندی با توجه به مسئولیت اجتماعی سازمانها پیشنهاد می گردد.

۱. تدوین برنامه ریزی جامع جهت آگاهی سازی در زمینه های مختلف تضمین حقوق اجتماعی، وظایف و شان شهروندی افراد جامعه و شناسایی موانع، منابع، و اولویت بندی خواسته ها گروههای مختلف جامعه و تأمین سازمانها و ارگانها.

۲. تدوین و برنامه ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه عمومی، خصوصی، و مطالعه ارزشها و تقویت آنها و تأمین نیاز های شهروندان و فرهنگ سازی حقوق شهروند و ارتقاء سطح آگاهی آنها از طریق رسانه و مسئولیت سازمانها در این زمینه.

۳. نظارت قضایی بر اعمالی دولت مهمترین زمینه برای تحقق حقوق شهروندی است. اما نظام تضمین و ضمانت اجرا هم باید به گونهای باشد که امکان تخطی و تخلف از آراء و اوامر نظام نظارت را به حداقل ممکن برساند. بهترین راهکار، نظارت دقیق توسط افراد شناخته شده جهت اجرای قوانین حقوق شهروندی می باشد و در ادامه فرهنگ سازی و رعایت از سوی تمامی شهروندان می تواند کشورمان را در کنار کشورهای مدعی در رعایت حقوق شهروندی قرار دهد.

۴. در فصلی مربوط به حقوق ملت، امتیازات و حقوق شهروندی در قانون اساسی ملاحظه شده است. البته با توجه به موارد استثنائی که در اصول مندرج در قانون اساسی پیش بینی شده است لازم است. با توجه به روح حاکم بر قانون اساسی که در جهت تقویت نهادهای مدنی از یک سو و حفظ حرمت و کرامت انسانها مورد تأکید آموزه های اسلامی است، قوانین عادی نیز در جهت صیانت اصول مزبور تدوین یابد.

تأکید بر مسئولیت اجتماعی سازمانها در تأمین نیازهای شهروندان و فرهنگ سازی حقوق شهروند و ارتقاء سطح آگاهی آنها از طریق رسانه و مسئولیت سازمانها در این زمینه. علاوه بر این نتیجه گیری پژوهشگر این موانع را در تحقق شهروندی رصد نموده است.

## منابع و مراجع

- [۱] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، (۱۳۷۸)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲] زارعی، محمد حسین، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۱، ۱۳۷۶.
- [۳] نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات بین المللی هدی.
- [۴] معصومی، حامد، (۱۳۹۰)، اصل ۱۳۹ قانون اساسی در داوری های تجاری بین المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۵] طباطبایی، محمد رضا، حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه رهافیت انقلاب اسلامی، ش ۸، ۱۳۸۸.
- [۶] موسی زاده، رضا، (۱۳۸۹)، حقوق اداری ۱-۲، تهران، انتشارات میزان.
- [۷] عباسی، بیژن، (۱۳۸۸)، مبانی حقوق اساسی، تهران، نشر جنگل.
- [۸] عمید، حسن، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دهم، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- [۹] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر.
- [۱۰] فنی اصل، عباس، (۱۳۸۹) حقوق اجتماعی و سیاسی انسان در اسلام، مشهد، انتشارات بهنشر.
- [۱۱] مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، مبانی و کلیات علم حقوق، تهران، پایدار.